

بررسی نظام فعلی: فعل در گویش هندیجانی

بهمن گرجیان^۱

آزاده عبادی^۲

چکیده

گویش هندیجانی از گویش‌های رایج در استان خوزستان است که اکثریت قریب به اتفاق مردم شهرستان هندیجان به آن تکلم می‌کنند. از نظر رده‌شناسی، گویش هندیجانی گویشی متعلق به خانواده زبان‌های ایرانی نو غربی می‌باشد و به دلیل وجوه اشتراک فراوانی که با گویش‌های لری دارد، یکی از گونه‌های آن به شمار می‌آید. این مقاله توصیفی-تحلیلی کوششی است در زمینه شناخت و توصیف نظام فعلی گویش هندیجانی. داده‌ها از طریق و مصاحبه با گویشوران میانسال تا کهنسال، بی‌سواد تا کم‌سواد و ضبط گفتار ایشان به دست آمده و مورد آزمایش قرار گرفته و نتایج با توجه به حداکثر بسامد کاربرد، استخراج گردیده است. یافته‌ها حاکی از آن است که در این گویش زمان دستوری برای بیان آینده وجود ندارد و برای بیان آن از مضارع اخباری استفاده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: فعل واژگانی، فعل مرکب، گویش هندیجانی

۱. دانشیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آبادان، آبادان، ایران.

۲. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، گروه زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آبادان، آبادان، ایران.

۱. مقدمه

بندر هندبجان یکی از بندرهای قدیمی کرانه خلیج فارس است که در جنوب شرق استان خوزستان و در فاصله ۱۸۵ کیلومتری اهواز واقع شده است. جمعیت هندبجان بر اساس آخرین سرشماری ۴۱ هزار نفر است. این شهرستان دارای ۲۰ روستا می‌باشد و گویش آن از جمله گویش‌های رایج در استان خوزستان است. گویش هندبجانی به گویش‌های ماهشهری، بختیاری و حتی گویش بندر دیلم و بندر گناوه نزدیک است. از نظر رده‌شناسی گویش هندبجانی متعلق به خانواده زبان‌های ایرانی نو غربی است و به دلیل ویژگی‌های مشترکی که با دیگر گویش‌های لری دارد، در زمره آنها قرار می‌گیرد.

در این پژوهش که هدف آن بررسی نظام فعلی در گویش هندبجانی است، پس از ارائه تعریفی مختصر از مفهوم گویش و مروری اجمالی بر مطالعات پیشین، دستگاه فعلی گویش هندبجانی معرفی می‌گردد.

لازم به ذکر است که داده‌ها از طریق و مصاحبه با گویشوران میانسال تا کهنسال، بی‌سواد تا کم‌سواد و ضبط گفتار ایشان به دست آمده و مورد آزمایش قرار گرفته و نتایج با توجه به حداکثر بسامد کاربرد، استخراج گردیده است. علاوه بر آن از شم زبانی یکی از نگارندگان که خود گویشور گویش هندبجانی می‌باشد، در تجزیه و تحلیل بهتر و دقیق‌تر داده‌ها بهره برده شده است.

۲. گویش^۳

کزیستال (۱۹۹۲:۱۰۱) گویش را این گونه تعریف می‌کند: «یک گونه زبانی است که دستور و واژگان آن مشخص‌کننده هویت اجتماعی و جغرافیایی یک گویشور است.» چمبرز و ترادگیل (۱۹۹۴:۵) اصطلاح گویش را برای تفاوت‌های تلفظی، دستوری و واژگانی گونه‌های زبانی و اصطلاح لهجه را در مورد تفاوت تلفظی آنها به کار می‌برند. تعریف فرامکین و رادمن (۱۹۹۸:۲۵۳) از گویش، هم دربرگیرنده تفاوت ساختاری-واژگانی و هم معیار فهم‌پذیری^۴ است: «گویش‌های یک زبان واحد را می‌توان اشکالی از یک زبان دانست که به طور متقابل قابل فهم بوده و در عین حال با یکدیگر تفاوت‌های نظام‌مند دارند.»

³ dialect

⁴ Mutual intelligibility

بررسی نظام فعلی: فعل در گویش هنديجانی ۷۹

با آن که غالب زبان‌شناسان در تعريف گویش به تفاوت‌های واژگانی و دستوری اشاره می‌کنند، در واقع مشخص نشده است که این تفاوت‌ها تا چه اندازه باید باشد و چگونه باید گویش را از زبان متمایز ساخت.

۳. مطالعات پیشین

«تاریخچه مطالعات نظام‌مند گویش‌ها به بیش از یک قرن می‌رسد.» (مجبی بهمنی، ۱۳۸۴: ۲۱) فهرست کاملی از تحقیقات صورت‌گرفته بر روی گویش‌های ایرانی، در دو یادداشت تحت عنوان «فهرست مآخذ زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی» اثر راس (۱۳۳۲) در دفتر اول از جلد اول فرهنگ ایران‌زمین و «کتاب‌شناسی زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی» اثر افشار (۱۳۳۴) در دفتر اول از جلد سوم فرهنگ ایران‌زمین آمده است.

از پژوهش‌های انجام‌شده بر روی گویش هنديجانی می‌توان اشاره داشت به شعبانی (۱۳۸۴) که در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به بررسی نظام آوایی و واژگان گویش هنديجانی پرداخته است؛ همچنین عبادی (۱۳۸۸) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به بررسی عوامل انسجام‌بخش متنی در گویش ماهشهری (که ارتباط بسیار نزدیکی با گویش هنديجانی دارد) بر پایه نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی پرداخته است.

۴. تحلیل داده‌ها

۴.۱. فعل

فعل یکی از طبقه‌های واژگانی اصلی است. این طبقه واژگانی وقوع عملی و یا بیان حالتی را نشان می‌دهد و به لحاظ شخص و شمار با فاعل جمله مطابقت دارد (گلفام، ۱۳۸۵: ۱۵۹).

۴.۲. صورت‌های فعلی

در گروه فعلی همواره ک فعل واژگانی (فعل اصلی) ظاهر می‌شود. ممکن است به همراه فعل واژگانی عناصر فعلی دیگری نیز به کار رود، مانند نمونه‌های زیر:

گونه معیار زبان فارسی	گوش هنديجانی
می رود	/iræj/
رفته بود	/ræte bi/
می توانی بروی	/ijobe beri/
باید بروم	/bājæs berim/
باید بشود بروم	/bājæs vobe berim/
باید بتوانم بروم	/bājæs beterim berim/

به چند عنصر فعلی که با هم به کار رود، صورت «چند فعلی» گفته می شود؛ مثل :

(باید بروم) /bājæs berim/

(می شود بروی) /ijobe beri/

عناصر فعلی از لحاظ ویژگی‌های معنایی و ساختواژی نحوی با یکدیگر متفاوتند و بر همین اساس در دسته‌های چندگانه‌ای قرار می‌گیرند:

فعل واژگانی، فعل رابط، فعل معین، فعل وجهی، عنصر فعلی (در فعل مرکب)

در این مقاله، فقط به فعل واژگانی و افعال مرکب می‌پردازیم.

۴. ۳. فعل واژگانی

فعل واژگانی، فعل اصلی است که به تنهایی می‌تواند در جایگاه گروه فعلی ظاهر شود؛ مانند نمونه‌های:

گونه معیار زبان فارسی	گوش هنديجانی
رفت	/ræ/
رفته بود	/ræte bi/
رفته است	/ræte /
می رود	/iræj/

از لحاظ ساختواژی صورت صرف‌شده فعل واژگانی از برخی و یا همه عناصر زیر تشکیل می‌شود: پایه، نشانه زمان، نشانه حال، نشانه ماضی، پی‌بست صفت مفعولی، شناسه، نشانه نفی، پیشوند فعلی، پی‌بست رابط، فعل معین، و یا عنصر سببی (مشکوه الدینی، ۱۳۷۹: ۱۹۹).

جدول شماره (۱) صورت‌های فعلی در گوش هنديجانی را نشان می‌دهد:

گذشته			حال	
التزامی	استمراری	ساده	التزامی	ساده
رفته باشم <i>/ræte buwom/</i>	می رفتم <i>/irætom/</i>	رفتم <i>/rætom/</i>	بروم <i>/berom/</i>	می روم <i>/irom/</i>
رفته باشی <i>/ræte buwi/</i>	می رفتی <i>/iræti/</i>	رفتی <i>/ræti/</i>	بروی <i>/berɪ/</i>	می روی <i>/iri/</i>
رفته باشید <i>/ræte buwe/</i>	می رفت <i>/irætaek/</i>	رفت <i>/ræ/,/rætaek/</i>	برود <i>/beræj/</i>	می رود <i>/iræj/</i>
رفته باشیم <i>/ræte buwin/</i>	می رفتیم <i>/irætim/</i>	رفتیم <i>/rætim/</i>	برویم <i>/berim/</i>	می رویم <i>/irim/</i>
رفته باشید <i>/ræte buwin/</i>	می رفتید <i>/irætin/</i>	رفتید <i>/rætin/</i>	بروید <i>/berin/</i>	می روید <i>/irin/</i>
رفته باشند <i>/ræte buwen/</i>	می رفتند <i>/iræten/</i>	رفتند <i>/ræten/</i>	بروند <i>/beren/</i>	می روند <i>/iren/</i>
ماضی بعید	ماضی نقلی نقلی استمراری	ماضی نقلی ساده	باشم <i>/buwom/</i> باشی	هستم <i>/hessim/</i> هستی
رفته بودم <i>/ræte bidom/</i>	می رفته ام <i>/iræteme/</i>	رفته ام <i>/ræteme/</i>	<i>/buwi/</i> باشد	<i>/hessit/</i> هست
رفته بودی <i>/ræte bidi/</i>	می رفته ای ای <i>/irætiije/</i>	رفته ای <i>/rætiije/</i>	<i>/buwe/</i> باشیم <i>/buwim/</i>	<i>/hessið/</i> هستیم <i>/hessimun/</i>
رفته بود <i>/ræte bi/</i>	می رفته <i>/irætiije/</i>	رفته است <i>/ræte/</i>	باشید	هستید

رفته بودیم	است	رفته ایم	/buwin/	/hessitun/
/ræte bidim/	/iræte/	/rætime/	باشند	هستند
رفته بودید	می رفته	رفته اید	/buwen/	/hessišun/
/ræte bidin/	ایم	/rætime/		
رفته بودید	/irætime/	رفته اند		
/ræte biden/	می رفته	/rætene/		
	اید			
	/irætime/			
	می رفته			
	اند			
	/irætene/			
نهی	امر	آینده		دارم
				/därom/
نرو	برو			داری
/næra/	/beræ/			/dori/
نروید	بروید			دارد
/nerin/	/berin/			/däre/
نباش	باش			داریم
/nebuwet/	/bu/			/dorim/
				دارید
				/dorin/
				دارند
				/dären/

جدول شماره (1): صورت های صرفی فعل در گویش هندبجانی

۴.۴. واژه فعل (ساخت فعلی)

تجزیه واژه فعل (ساخت فعلی)، عناصر سازنده و نیز ترتیب پیوند آنها را مشخص می‌کند.

الف) فعل حال ساده: عناصر سازنده فعل ساده در نمونه‌های زیر آمده است:

ای + ر + - + م (می‌روم) /i+r+om/

ای + خون + - + م (می‌خوانم) /i+xu+nom/

ای + یفت + - + م (می‌افتم) /i+jof+tom/

بر پایه نمونه‌های بالا، مشخص است که در صورت فعل حال ساده نشانه‌ای برای زمان حال نیست.

براین اساس، در واقع پایه فعل در صورت فعل حال ساده برابر است با "بن حال".

بن حال: پایه فعل

در نتیجه، صورت واژه فعل حال ساده به شکل زیر است:

(۱) ای+بن حال+شناسه

ب) فعل حال استمراری

صورت فعل حال استمراری به قرار زیر است:

(۲) صورت حال استمراری {دازم/därom/، د-ری/dori/، داره/däre/....+ صورت حال ساده فعل

واژگانی با شناسه هم مرجع}

پ) فعل حال التزامی

تجزیه صورت فعل التزامی به صورت زیر است:

(۳) صورت فعل التزامی {ب/bo/، بی/bi/، ب/be/} + بن حال + شناسه

بر-م (بروم)/berom/، بخوریم (بخوریم)/bexerim/، بخوسیم (بخواییم)/boxosim/

، بیان/bijäjen/...

در مواردی که بن حال با مصوت (ä) آغاز شود پیشوند فعلی «بی/bi/» و در صورتی که بن حال با

مصوت (o) شروع شود «ب/bo/» است و در بقیه موارد نیز پیشوند فعلی به صورت «ب/be/» ظاهر می-

شود.

ت) ماضی ساده

تجزیه صورت فعل ماضی ساده را در نمونه‌های زیر می‌توان مشاهده کرد:

خوسیدم (خوایدم) /xosidom/ /خوس + ید + -م

افتادم (افتادم) /oftädöm/ /افت + اد + -م

خردم (خوردم) / xærdom / خر + د + م

کردم (کردم) / kerdom / کر + د + م

(۴) صورت ماضی ساده: بن ماضی + شناسه

ث) ماضی استمراری

از لحاظ تجزیه‌ی واژه فعل، فعل ماضی استمراری به دو صورت زیر ظاهر می‌شود:

(۵) صورت فعل ماضی استمراری { الف } ای + بن ماضی + شناسه ب) داشتُم / dāštom /

دُشتی / došti / داشت / dāšt / ... داشتن / dāšten / + صورت ماضی استمراری با شناسه هم مرجع {

مثال: ایخَرْدُم (می خوردم) / ixærdom / ، داشتُم ایخَرْدُم (داشتم می خوردم) / dāštom ixærdom /

.../

ج) ماضی التزامی

تجزیه صورت فعل ماضی التزامی به قرار زیر است:

(۶) صورت فعل ماضی التزامی صفت مفعولی + { بووم / buwom / ، بووی / buwi / ، بووه / buwe /

...، بوون / buwen /

صفت مفعولی: بن ماضی + ه

رته بووم (رفته باشم) / ræte buwom / ، رته بووی (رفته باشی) / ræte buwi / ...

مفاهیم التزامی از این قرار است: تعجب، شک، تردید، آرزو، دعا، نفرین، شرط، ...

چ) ماضی نقلی ساده

تجزیه صورت فعل ماضی نقلی ساده به قرار زیر است:

(۷) صورت ماضی نقلی ساده: بن ماضی + پی بست رابط

سوم شخص	دوم شخص	شخص	اول شخص
—	—ی	مفرد	—م
—ن	ین	جمع	ایم

جدول (۲): پی‌بست‌های رابط

مورْتَم بازار (من رفتم بازار) / mo rætom bāzār /

ح) ماضی نقلی استمراری

تجزیه صورت فعل ماضی نقلی استمراری به قرار زیر است:

(۸) صورت فعل ماضی نقلی استمراری: ای + صورت فعل ماضی نقلی ساده

بررسی نظام فعلی: فعل در گویش هندیجانی ۸۵

ایرْتَم (می رفته ام) /irætome/، ایرْتی (می رفته ای) /irætije/ ...

رضا خیلی وختل ایر ته دبی /rezä xejli væxtæl iræte Dobej/

(رضا خیلی وقت ها به دبی می رفته است)

خ) ماضی بعید

تجزیه صورت فعل ماضی بعید به شکل زیر است:

(۹) صورت فعل ماضی بعید: صفت مفعولی + {بیدم/ bidom/، بیدی/ bidi/، بی/ bi/، ...،

بیدن/ biden/ }

وختی رسیدم خونه، آقامینا زته بیدن (وقتی به خانه رسیدم پدرم اینا رفته بودند). minä ræte biden.

/Væxti residom xunæ äyã/

د) فعل آینده ساده

دراین گویش صورت ویژه ای برای بیان این زمان وجود ندارد و برای نشان دادن مفهوم آینده ساده از

زمان حال ساده استفاده می شود.

ذ) فعل آینده التزامی

تجزیه صورت فعل آینده التزامی به صورت زیر است:

(۱۰) {ایخم/ ixom/، ایخی/ ixi/، ایخ/ ixe/، ...، ایخن/ ixen/} + مضارع التزامی

ایخم برم بازار یه شوئه ای بسونم (میخواهم به بازار بروم تا شانه ای بخرم).

/ixom berom bázär je June-i besunom/

ر) فعل های امر ونهی

تجزیه صورت فعل امر ونهی به شکل زیر است:

(۱۱) صورت فعل امر: {ب/ bo/، بی/ bi/، ب/ be/} + بن حال

(۱۲) صورت فعل نهی: {ن/} + بن حال

ز) فعل مجهول

تجزیه صورت فعل مجهول به قرار زیر است:

(۱۳) صورت فعل مجهول: صفت مفعولی + وُبی (صورت صرف شده آن)

مثال:

گُر مشدی علی کشته وُبی. (پسر مشهدی علی کشته شد)

/kor mæšti Ali košte vobi/

دَسِل رضا اثر سیمان خراب اُوبیده (دستهای رضا بر اثر سیمان خراب شده است)

/dæsel Rezä ?ser simän xeräbobide/

ز) فعل سببی

(۱۴) صورت فعل سببی: بن حال + مَـ نید

بن حال + مَـ ند

مثال:

جدول شماره (۳): افعال سببی در گویش هنديجانی

مصدر	معادل فارسی	سناک حال	ساخت بسیبی
peresæn پرسن	پرسیدن	پر	perondæn پرنیدن
tær sesæn ترسیستن	ترسیدن	ترس	tærseñidæn ترسییدن
jomnidæn جمنییدن	جمنییدن	جنب	jomnidæn جمنییدن
xændesæn خنداسن	خندیدن	خند	xændenidæn خندنیدن
xosidæn خوسیدن	خوابیدن	خواب	xonidæn خونیدن
residæn رسیدن	رسیدن	رس	resondæn رشدن
ræxesæn رخصستن	رقصیدن	رقص	ræpsenidæn رقصییدن
čæsbesæn چسپسن	چسبیدن	چسب	čæsbenidæn چسبییدن
terækesæn ترکسن	ترکیدن	ترک	teræknidæn ترکنیدن
xisesæn خیسسن	خیسیدن	خیس	xisenidæn خیسیدن
tæpnidæn تپیدن	تپیدن	تپ	tæpnidæn تپیدن
xomnidæn خورنیدن	خواریدن	خوار	xomnidæn خورنیدن
lærzesæn لرزسن	لرزیدن	لرز	lærzenidæn لرزیدن
pičesæn پیچسن	پیچیدن	پیچ	pičenidæn پیچییدن
poknidæn پکنیدن	پوکیدن	پوک	püknidæn پوکنیدن
rænjesæn رنجسن	رنجیدن	رنج	rænjenidæn رنجییدن
jüfesæn جوئیسسن	جوئشیدن	جوئش	jüfenidæn جوئییدن
mäsesæn ماییسن	ماسیدن	ماس	mäsenidæn ماسنیدن
nešesæn نیشسن	نشستن	نشین	nešondæn نشندن

gærdenidæn	گردیدن	گرد	گشتن	gæŕtæn	گشتن
stūzenidæn	سوزنیدن	سوز	سوغتن	soxtæn	سختن
ʔeškenādæn	* اشکنادن	شکن	شکتن	ʔeškesæn	اشکتن
gīrvenidæn	گیرویدن	گری	گریستن	gīrvesæn	گیروستن
dowenidæn	دونیدن	دو	دویدن	dowesæn	دوستن

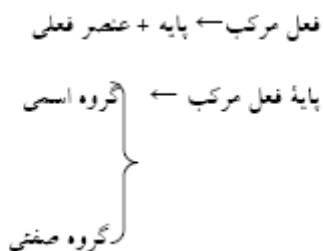
* صورت سوم شخص مفرد این فعل به صورت - اد می باشد.

۵. فعل مرکب

به طور کلی، فعل اصلی (فعل واژگانی) از نظر عناصر سازنده آن در سه دسته قرار می‌گیرد: فعل ساده، فعل پیشوندی و فعل مرکب. فعل ساده تنها از یک پایه واژگانی تشکیل می‌شود، مانند نمونه‌های: ایخ/ixæ/، ر/ræ/، دیده بی/dide bi/، فعل پیشوندی به صورت یک پیشوند غیر فعلی و یک پایه فعلی ظاهر می‌گردد، مانند نمونه‌های: درخ/derxæ/، در ر/dær ræ/، فعل مرکب از دو سازه نحوی تشکیل می‌شود: پایه و عنصر فعلی. نمونه‌هایی از فعل مرکب در زیر آورده شده است:

معادل فارسی معیار	معادل گویش هندیجانی
دروغ گفتن	دروغ گتئن /doruy gotæn/
فریاد کشیدن-صدا زدن	چهر زدن /čer zedæn/
آرام کردن	أس کردن /?os kerdæn/
نامزد کردن	نومزاد کردن /numzäd kerdæn/
ترک کردن	لشتن رتن /lešteno rættæn/
لگد زدن	لیج زدن /leye zedæn/
نصف کردن	عَل کردن /yæl kerdæn/
آتش گرفتن	تَش گرفتن /tæš gertæn/
دست زدن	چپک زدن /č opæk zedæn/

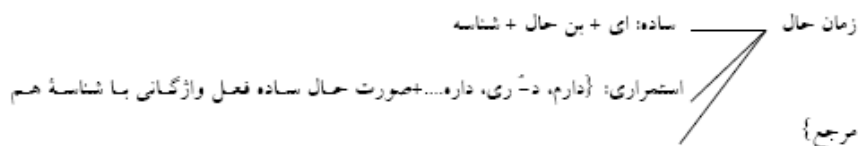
چنان که در نمونه های بالا مشاهده می شود، از لحاظ تجزیه رو ساختی پایه فعل مرکب به صورت گروه اسمی و گروه صفتی ظاهر می گردد. بنا بر مطالب بالا، تجزیه رو ساختی فعل مرکب به صورت زیر نشان داده می شود:



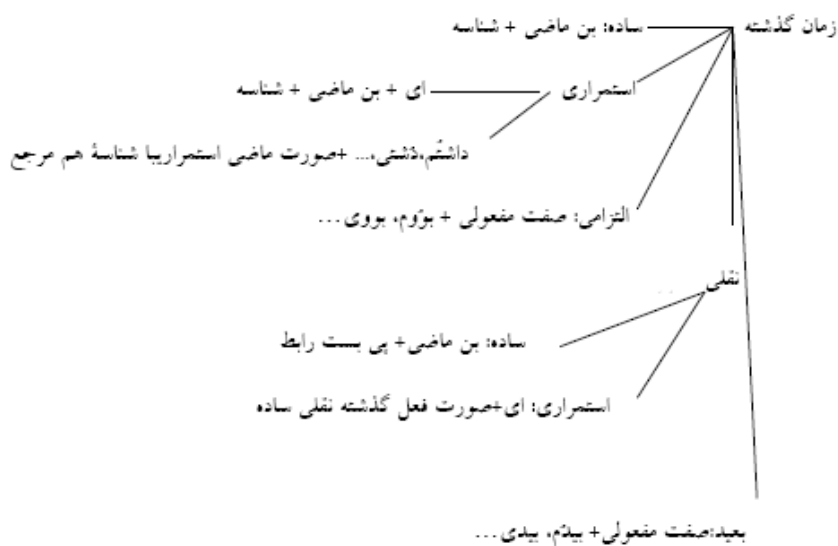
پایه فعل مرکب: دروغ/ doruy / ، نومزاد/ numzäd / ، تش/ tæš / ، چپک/ čopak / ، أس/ ?os / ، ... ،
 عنصر فعلی: زدن/ zedæn / ، گرفتن/ gertæn / ، کردن/ kerdæn / ، گتن/ gotæn / ، ... ،

۶. نتیجه‌گیری

در این مقاله به بررسی فعل در نظام فعلی گویش هندیجانی پرداختیم. نتایج حاکی از آن است که درگویش هندیجانی افعال واژگانی به صورت حال، گذشته و آینده بیان می‌شوند که هر یک دارای زیرشاخه‌ها و ساخت‌های ویژه‌ای است:



التزامی: {بِ، بی، بِبِ} بن حال + شناسه



زمان آینده

ساده: ---

التزامی: ایخَم، ایخی... + مضارع التزامی

۹۱ بررسی نظام فعلی: فعل در گویش هندیجانی

* در این گویش زمان آینده ساده وجود ندارد و برای بیان آن از مضارع اخباری استفاده

می‌شود.

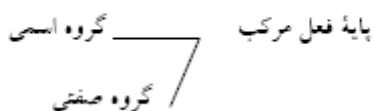
ساخت مجهول در این گویش به صورت: صفت مفعولی + وُبی (صورت صرف شده آن) می-

باشد. فعل سببی نیز از ساخت زیر تبعیت می‌کند:

بن حال + -نید و یا بن حال + -ند

تجزیهٔ رو ساختی فعل مرکب نیز در این گویش به صورت زیر است:

فعل مرکب ← پایه + عنصر فعلی



کتاب‌نامه

۱. افشار، ایرج، (۱۳۳۴)، *کتاب‌شناسی زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی*، فرهنگ ایران زمین، دفتر اول، جلد سوم.
۲. جهانگیری، نادر، (۱۳۷۸)، *زبان: بازتاب زمان، فرهنگ و اندیشه*، تهران، انتشارات آگاه.
۳. راس، نیکلا، (۱۳۳۲)، *فهرست مآخذ زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی*، فرهنگ ایران زمین، دفتر اول، جلد اول.
۴. محبی بهمنی، حسن، (۱۳۸۴)، *بررسی و توصیف زبان شناختی گویش مینابی*، تهران، انتشارات سبزان.
۵. مدرس، یحیی، (۱۳۶۸)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۶. مشکوة‌الدینی، مهدی (۱۳۷۹)، *دستور زبان فارسی بر پایه نظری گشتاری*، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
۷. شعبانی، غلامحسین (۱۳۸۴)، *بررسی نظام آوایی و واژگان گویش هندیجان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
۸. عبادی، آزاده، (۱۳۸۸)، *گویش ماهشهری*، بررسی اصول مرجع‌گزینی در آن بر پایه نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی و بررسی عوامل انسجام بخش متنی در این گویش بر اساس چارچوب هلیدی و حسن (۱۹۷۶)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات فارس.

10. Crystal, D. (1992), *An Encyclopedic Dictionary of Language and Languages*; Oxford: Basill and Blackwell.
11. Fromkin, V. & Rodman, R. (1988), *An Introduction to Language*. Orlando: Holt, Rinehart and Winston, Inc.

